



A Comparative Study of the Factors and Types of Courage in the Hadiths of Imam Ali (AS) and the Speeches of the Supreme Leader of the Revolution *

Hasan Hasanzadeh ^۱ and Zahra Kabiri ^۲

Abstract



Courage, defined as fortitude, is one of the most significant moral virtues and a fundamental principle among the four cardinal virtues. Cowardice represents the deficiency of courage, while recklessness is its excess. Both arise from deviations from true courage. Given the significant roles of Imam Ali (AS) and the Supreme Leader of the Islamic Revolution as scholars, interpreters, and governing authorities, a comparative analysis of their views on the factors and types of courage holds particular importance and necessity.

A comparative study of the teachings and speeches of Imam Ali (AS) and the Supreme Leader reveals that courage possesses multiple factors and types. Some of the factors fostering courage include belief in divine assistance, reliance on God, and adherence to Islamic law. Regarding its types, courage in upholding justice and opposing oppression, courage in action, courage in patience, and courage in accurate comprehension can be identified. This research employs a descriptive-analytical approach based on library research and internet resources.

Keywords: Imam Ali (AS), moral virtues, courage, Supreme Leader of the Islamic Revolution.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*. **Date of receiving:** ۱۱/۱۲/۲۰۲۳, **Date of modification:** ۱۱/۱۲/۲۰۲۳, **Date of approval:** ۰۸/۰۵/۲۰۲۴.

۱. Faculty Member, Department of Islamic Studies, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; (H.hasanzadeh@iau-tnb.ac.ir).

۲. Faculty Member, Department of Islamic Studies, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (Corresponding Author); (Zahrasadatkabiri@yahoo.com).



بررسی تطبیقی عوامل و گونه‌های شجاعت در احادیث امام علی ع و کلام رهبر معظم انقلاب *

حسن حسن‌زاده^۱ و زهراسادات کبیری^۲



چکیده

شجاعت یعنی قوت قلب که یکی از مهم‌ترین فضایل نفسانی و از اصول چهارگانه فضایل اخلاقی است. ۱. تقریب در شجاعت، جبن و افراط در آن، تهور نامیده می‌شود که از انحراف شجاعت به وجود می‌آیند. شناخت عوامل شجاعت و حوزه‌ها و گونه‌های آن در سیره و سخنان امیرالمومنین * و همچنین بررسی عوامل و گونه‌های این فضیلت در اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب که شخصیتی عالم، مفسر و مدیر است و حاکمیت جامعه را برعهده دارند، اهمیت و ضرورت بیشتری دارد. با توجه به بررسی تطبیقی در سیره و سخنان امیرالمومنین * و همچنین مقام معظم رهبری، شجاعت دارای عوامل و گونه‌های متعددی است. برخی از عوامل ایجاد شجاعت عبارتند از باورمندی به یاری الهی، توکل به خدا و شریعت اسلام. در مورد گونه‌های آن نیز می‌توان شجاعت در عدالت و ظلم‌ستیزی، شجاعت در اقدام، شجاعت در صبر و شجاعت در فهم صحیح را نام برد. روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی است. ۲. واژگان کلیدی: امام علی *، فضایل اخلاقی، شجاعت، مقام معظم رهبری.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰، تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۱/۲۴ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱.

۱. عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ (H.hasanzadeh@iau-tnb.ac.ir).

۲. عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، «نویسنده مسئول»؛ (Zahrasadatkabiri@yahoo.com).



مقدمه

شجاعت که در فارسی از آن به دلیری یاد می‌شود، منشأ بسیاری از دستاوردهای اجتماعی است. نه تنها در میدان جنگ که شاید مهم‌ترین عرصه ظهور و بروز شجاعت است، بلکه در سایر عرصه‌ها نظیر سیاست و آیین حکومت‌داری، حضور در اجتماع و حتی در مباحث علمی نیز عنصر شجاعت در موفقیت و کمال فرد و جامعه نقش حساس و کلیدی دارد. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در علوم دینی مانند کلام اسلامی بیان می‌شود بدون صفت شجاعت، امام از عهده انجام وظایف امامت بر نمی‌آید (الطوسی، ۱۴۰۵: ۴۲۰). بنابراین، آنچه باعث ایجاد و گسترش فضیلت شجاعت در حوزه‌های مختلف می‌شود، پراهمیت می‌نماید؛ زیرا ترسو بودن نقص و کاستی است و رسیدن به مقام و جایگاه برتر، فرع بر شجاعت و دلآوری است (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹: ۱۰۸۹/۶).

بنابراین، شناخت عوامل شجاعت از آن جهت با اهمیت است که می‌توان آن فضیلت را در خود محقق نمود و به انسان کمک می‌کند که به این فضیلت اخلاقی در حوزه‌های مختلف دست یابد؛ زیرا حوزه‌های به کارگیری شجاعت در رفتار انسان را مشخص می‌کند و روشن می‌شود که شجاعت محدود به جنگ و جنگاوری نیست، بلکه عرصه‌ها و گونه‌های مختلف دارد و ابعاد مختلف زندگی و روح انسانی متأثر از این فضیلت است. شجاعت یعنی عدم تزلزل نفس در امور خطیره و هولناک؛ لذا فهم عوامل آن و حوزه‌های مختلفش از زبان و سیره امام معصومی که خود، حاکم اسلامی است و همچنین آیت‌الله خامنه‌ای که صاحب مقام و منصب رهبری و واجد مسئولیت اجتماعی و سیاسی است، بسیار پراهمیت‌تر و ضروری‌تر است.

بنابراین، در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی سعی بر این شده است که عوامل و گونه‌های شجاعت به صورت تطبیقی در کلمات گهربار امیرالمومنین^ع، امام اول شیعیان و مظهر تام و تمام شجاعت، و همچنین سخنان مقام معظم رهبری به عنوان حاکم جامعه اسلامی که همواره با اقتدار و شجاعت، کشتی رهبری مردم ایران را با وجود طوفان‌های پرتلاطم دشمنان داخلی و خارجی به سلامت به ساحل امن امنیت رسانده‌اند، مورد کندوکاو و بررسی قرار گیرد. ایشان در مورد یکی از گونه‌های مربوط به شجاعت می‌فرمایند: «هر کشوری، هر جامعه‌ای حوادثی دارد؛... نوع مواجهه با این حوادث خیلی مهم است که چه جور با این حوادث مواجه بشویم. مثلاً یک وقت انسان وارد میدان می‌شود اما می‌ترسد... این یک جور عکس‌العمل و واکنش و حضور در مقابل دشمن است. یک وقت با دلیری وارد می‌شود. وارد میدان می‌شود با دلیری، با شجاعت؛ این هم یک جور دیگر برخورد» (خامنه‌ای: ۱۳۹۷).



پیشینه تحقیق: در مورد فضیلت شجاعت، کتاب‌ها و مقالات متعددی به‌ویژه در حوزه اخلاق، فلسفه اخلاق، عرفان و روانشناسی نگاشته شده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌های «اخلاق نیکوماخوس» از ارسطو، «اخلاق و راه سعادت» نوشته ابن مسکویه، «کاوشی نو در اخلاق اسلامی» از حسین مظاهری، «رسالت اخلاق در تکامل انسان» نوشته مجتبی موسوی لاری، «پنج رساله: شجاعت، دوستی و...» از افلاطون و «پارسایی و شجاعت امام علی[×]» نوشته احمد صادقی اردستانی اشاره کرد.

همچنین مقالاتی نظیر «ارائه الگوی توسعه شجاعت اخلاقی کارکنان» نوشته نورالله پاک‌نژاد و دیگران، «بررسی تطبیقی شجاعت در منابع اسلامی و روان‌شناسی مثبت» از مصطفی خوشخرام رودمجبنی، «مقاله تطبیق معنایی شجاعت در قرآن و فرهنگ جاهلی» نوشته رمضان رضائی، «مقاله مبانی رهبری در اسلام: نقش زهد، شجاعت و صداقت در رهبری» نوشته محمد محمدی ری‌شهری، «مقاله تحلیلی توحیدی از مفهوم و مراتب فضیلت شجاعت در اخلاق عرفانی» نوشته محمدمهدی ولی‌زاده و حسن سعیدی، «مقاله تبیین مفهوم شجاعت در شاهنامه فردوسی و ارائه راهکارهای آن برای تربیت حماسی کودکان» نوشته محسن خوشناموند و دیگران، «مقاله راز سرزندگی: تکنیک‌هایی برای ارتقای توانمندی منشی و شخصیتی» نوشته منیژه نسیمی، «مقاله بررسی مفهوم مثبت و مقابل خشم در روایات؛ (بررسی مفاهیم حلم، صبر و شجاعت در ارتباط با خشم)» نوشته آزاده جوادنژاد و «مقاله جست‌وجوی مطلوب‌های اخلاقی افلاطون و بررسی غایت آن‌ها» نوشته کاظم طیبی فرد و اصغر زارع کهنمونی اشاره کرد.

در هیچ‌کدام از این منابع، تحقیق مستقلی به‌عنوان کتاب یا مقاله در مورد علل و گونه‌های شجاعت، به‌ویژه به‌صورت تطبیقی با توجه به احادیث امام علی[×] و اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نوشته نشده است.

الف. مفهوم‌شناسی

در این بخش، مفهوم و معنای شجاعت بررسی می‌شود. شرتونی شجاع را کسی معرفی می‌کند که اهل اقدام است و در زمان جنگ قوی‌دل است و شجاعت را یک صفت نرفسانی می‌داند که جسارت و قوت قلب در زمان جنگ می‌آورد و حد واسطه بین ترس و بی‌پروایی است (شرتونی، ۱۳۷۴-۱۴۱۶: ۲۴/۳).



در «معجم مقاییس اللغة» نیز شجاعت نوعی جرأت و جسارت و بی‌باکی معرفی شده است و به این جهت شیر شجاع‌ترین است و به زنی که شجاعت دارد نیز شیرزن گویند. همچنین، شجاعت دال بر جرأت و اقدام است؛ «الشین والجیم والعین اصل واحد يدل على جرأة والاقدام» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۴۷/۳).

۱. کلمات مترادف شجاعت

الف. بطل: (بر وزن شرف) شجاع، پهلوان؛ علت این تسمیه آن است که هر کس با او پنجه نرم کند، حیاتش باطل می‌شود و از بین می‌رود و یا به این علت که عظام امور با او باطل و حل می‌شود. من حتی یک لحظه به معارضه با خدا و رسولش بر نخاستم؛ بلکه با در کف گذاشتن جان خود در صحنه‌های نبردی که شجاعان قدم‌هایشان می‌لرزید و پشت کرده و فرار می‌کردند، با حضرتش مواسات کردم و این شجاعتی است که خداوند مرا به آن اکرام فرموده است (دشتی، ۱۳۹۰: ۲۹۴، خطبه ۱۹۷).
ب. نجدة: (مثل عقل) یاری کردن، غالب شدن، زمین مرتفع و طریق مرتفع. نجادت و نجدة به معنای شجاعت و رفتن در کاری که دیگران از آن عاجزند (قرشی، ۱۳۸۲: ۵۸۲).

ابن ابی الحديد، شارح معروف "نهج البلاغه" در باره شجاعت می‌گوید: عرب برای بیان شجاعت، چهار لغت داشت که به ترتیب نشان‌دهنده چهار مرتبه شجاعت بود. نخست کلمه شجاع را به کار می‌بردند و اگر از آن فراتر بود، کلمه بطل، و اگر فراتر بود، بهمه و اگر از آن فراتر بود، کلمه آکيس را به کار می‌بردند (دامغانی، ۱۳۷۳: ۴۰۵/۶).

بنابراین، شجاعت ضبط نفس و خویشتن‌داری در حفظ مصالح نیز هست. همچنان که در هنگام جنگ باید قدرت در جنگ داشته باشد، در هنگام سازش نیز باید قدرت بر سازش و زندگانی مسالمت‌آمیز داشته باشد (انصاریان، ۱۳۸۹: ۴۲۴/۵).

در فرهنگ نامه دهخدا در مورد واژه "شجاعت" چنین آمده است: شجاعت [ش/ش/ش ع] (ازع، اِمص) (مأخوذ از شجاعة عربی) دلیر شدن در کارزار. صفتی است از صفات اربعة جميله که حد وسط بین تهور و جبن است. دلاوری، دل‌داری، دلیری، قوتی است متوسط میان جبن و تهور (شهیدی، ۱۳۹۰: ۱۷۸۵/۲). بنابراین جبن و تهور جزء صفات مذموم است و فضیلت محسوب نمی‌شود (آزیر، ۱۳۸۳: ۲۰۰/۲) و همچنین (امین و ابن مسکویه، ۱۳۶۹: ۸۷/۱).

نفیسی نیز در کتاب خود می‌نویسد: شجاعت مأخوذ از تازی، بهادری و دلاوری و جرئت و دلیری و پردلی و تهور است (نفیسی، بی‌تا: ۲۰۱۳/۳).



سجادی در این مورد می‌گوید: از حد اعتدال شجاعت که همان عفت است، خلق، کرم، نجدت، شهامت، حلم، ثبات، کظم غیظ، وقار و غیره منشعب می‌گردد. از طرف افراط، کبر و عجب و از طرف تفریط، مهابت، ذلت، خساست، ضعف، حمیت، عدم غیرت و حقارت نفس منشعب می‌گردد (سجادی، ۱۳۷۵: ۱/بخش ۳۶۹/۲).

۲. معنای اصطلاحی شجاعت

گروهی از فلاسفه قدیم که از بنیانگذاران علم اخلاق محسوب می‌شوند به سردمداری «سقراط حکیم»، برای اخلاق اصول چهارگانه قائل بودند و به تعبیر دیگر فضائل اخلاقی را در چهار اصل خلاصه کرده‌اند: حکمت، عفت، شجاعت و عدالت (ارسطو و لطفی، ۱۳۸۵: ۶۸-۷۸). بسیاری از دانشمندان اسلام که درباره علم اخلاق کتاب نوشته‌اند یا بحث‌هایی داشته‌اند، این اصول چهارگانه را پذیرفته‌اند. امام * نیز در کلامی از شجاعت به عنوان یک فضیلت یاد کرده‌اند: «الشجاعة نُصرة حاضرة و فضيلة ظاهرة» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۰/۱، ح ۱۵۱۷۰۶)؛ شجاعت، یاری‌کننده حاضر و فضیلت آشکار است. همچنین می‌فرمایند: شجاعت نیمی از عزت است و در سخنی دیگر شجاعت را عزت نقد معرفی می‌کنند (آمدی، ۱۴۱۰: ۸۸/۱).

بنابراین، اعتدالِ قوه غضب شجاعت نامیده می‌شود. قوه غضب را باید در زمان خاص خود استفاده کرد. آدمی هنگامی که برای رضای خدای سبحان خشمگین می‌شود، اعتدال این قوه همان شجاعت است. خشم همیشگی و یا بی‌موقع و عدم ملاطفت با مردم، افراط در غضب است که تهوّر نامیده می‌شود. در مقابل چنین افرادی، اشخاصی را می‌توان یافت که هیچ‌گاه خشم نمی‌گیرند تا جایی که در گرفتن حق خود نیز کوتاهی نموده و ناتوانند. این عمل تفریط در قوه است و آن را جُبْن می‌نامند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵-۱۳۷۷: ۲۳۶/۲).

ب. علل شجاعت در سخنان امیرالمومنین * و مقام معظم رهبری

هر پدیده‌ای عوامل و علت‌های خود را دارد، زیرا در پدیده‌های انسانی و اجتماعی، علت با حصول معلول در ارتباط است. شجاعت و دلیری نیز علت‌ها و ریشه‌های مختلفی دارد. گرچه گاهی شجاعت می‌تواند ریشه طبیعی هم داشته باشد، اما می‌توان با شناخت علل دیگر، آن را در خود تقویت نمود و مهارت آن را کسب کرد. باورها، بینش‌ها و نگرش‌های انسان در شجاعت او بسیار موثرند و علت رفتار شجاعانه محسوب می‌شوند. با توجه به روایات امیرالمومنین * و کلام مقام معظم رهبری، علل شجاعت را می‌توان در امور ذیل دسته‌بندی نمود:



۱. باورمندی به لطف و یاری الهی

باور عمیق و یقین به خدا و لطف و رحمت او، صفات کمال و یاری حق تعالی در سخت‌ترین شرایط، حتی در آنجا که ظاهراً به بن‌بست رسیده‌ایم، مایه قوت یافتن دل‌ها و نه‌راسیدن از انبوه دشمنان می‌شود. این ویژگی نه تنها باید همراه فضیلت شجاعت باشد و آن را کامل گرداند، بلکه می‌توان آن را علت و انگیزه‌بخش شجاعت نیز دانست. امام علی * در تعبیری دیگر، به حتمی بودن وعده‌های خداوند در قرآن کریم و وجود امدادهای غیبی خداوند تصریح می‌نماید: «کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنها فرود می‌آیند و می‌گویند، نترسید و محزون نباشید که بشارت باد بر شما بهشتی که به شما وعده داده‌اند. و همانا شما گفتید: پروردگار ما خداست، پس در عمل به دستورات قرآن خدا، و در ادامه راهی که فرمان داد، و بر روش درست پرستش بندگان او، استقامت داشته باشید و پایدار مانید،...» (دشتی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۷۶، ۳۳۴).

مقام معظم رهبری نیز در سخنرانی خود برای خانواده‌های شهدا، علت شجاعت شهیدان و ایثارگران را باور قلبی عمیق و قوی آن‌ها معرفی می‌کند: «شجاعت ناشی از قوت ایمان [و باورمندی] رزمندگان و مردم و جوانان بود، یعنی عشق ایمانی نه عشق حیوانی و نه عشق مادی... عشق به ارزش‌ها... با شجاعت ناشی از ایمان، کار بزرگی می‌توان انجام داد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸).

بنابراین، باور به خدا و ایمان به او هم در سخنان امیرالمومنین * و هم مقام معظم رهبری از مهم‌ترین عوامل شجاعت شمرده می‌شود.

۲. توکل به خدا

توکل از ماده «و ک ل» در لغت به معنی عجز و ناتوانی است که همراه با اعتماد به غیر می‌باشد (شهیدی و همکاران: ۱/بخش ۸۰۸/۲). بنابراین، توکل یکی از مهمترین علل شجاعت و دلیری است؛ زیرا توکل کننده بر خدا کسی است که می‌داند خداوند عهده‌دار رزق و بقیه امور او است و فرد براساس چنین اعتقادی تنها به او اعتماد و تکیه می‌نماید. توکل باعث می‌شود هرگز احساس حقارت و کوچکی در مقابل دشمن نداشته باشد و به اتکای لطف و علم و قدرت بی‌پایان خداوند، خود را پیروز و فاتح ببیند و لذا شکست‌های مقطعی او را از پای در نمی‌آورد. اگر توکل به مفهوم صحیح کلمه در جان و روح انسان پیاده شود، به یقین امیدآفرین، نیروبخش و باعث تقویت اراده و تحکیم مقاومت و ایستادگی است.



امام علی * در تعبیری به کسانی اشاره می‌فرماید که بیش از حد عاقبت‌اندیش هستند؛ تاجایی که در ساده‌ترین امور زندگی خود نیز بیش از اندازه و در حد افراط به نتیجه کارها می‌اندیشند بدون اینکه جایگاهی برای توکل به خداوند متعال در نظر گرفته باشند: «کسی که در عاقبت کارها بیش از اندازه فکر کند، شجاعت ندارد» (ناظم‌زاده قمی، ۱۳۷۵: ۳۸۲).

در توکل، انسان قلباً به خدا اعتماد و همه کارهایش را به او واگذار می‌کند. در این صورت، از غیر خدا به کلی روی‌گردان می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز بارها به این مهم اشاره کرده و توکل را منشأ شجاعت، قدرت و ایستادگی معرفی کرده‌اند: «بنابراین، با همین روحیه توکل بر خداست که مومنین بر دشمن غلبه خواهند کرد؛ زیرا این برخورد، برخورد اراده‌ها است؛ این رویارویی، رویارویی اراده‌ها است؛ و اراده‌ی ما از آنها قوی‌تر است. ما علاوه بر اراده‌ی قوی، توکل به خدا را هم داریم... آنها مولا ندارند؛ ما متکی به اراده‌ی الهی هستیم» (خامنه‌ای: ۱۳۹۸).

بنابراین، متوکل محکم و استوار بر این باور است که فاعلی توانا جز خداوند نیست و اوست که بر کار بندگان آگاه است و در انجام هر کار توانا ست و فقط اراده و مشیت خداوند جاری است؛ لذا با توکل بر او، چه در ظاهر پیروز شود و چه شکست بخورد، وظیفه بندگی را به جا آورده و امثال امر نموده است (رک. طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴۱۰/۹).

لذا با توجه به سخنان امیرالمومنین * و رهبر معظم انقلاب، از آن‌جا که توکل یعنی سپردن کارها به خدا و اعتماد بر لطف او است و چون «توکل» به معنی انتخاب وکیل و اعتماد بر او است، هر قدر وکیل توانایی بیشتر و آگاهی فزون‌تر داشته باشد، شخص موکل احساس آرامش، قدرت و شجاعت بیشتری دارد. بنابراین، وقتی انسان توکل بر علم و قدرت لایتناهی می‌کند، آرامش و قوت قلبی خواهد داشت که واقعی است و در برابر مشکلات و حوادث او را مقاوم می‌سازد و دیگر از دشمنان قوی و حيله‌گر و خطرناک نمی‌هراسد؛ در سختی‌ها ناامید نمی‌شود و خود را در بن‌بست نمی‌بیند و حرکت خود را به سوی هدف ادامه می‌دهد.

۳. اعتماد به نفس

اعتماد به نفس باید در امتداد اعتماد و توکل به خدا باشد. آنچه در روایات در رابطه با اعتماد به نفس مورد نکوهش قرار گرفته، این است که انسان دچار وسوسه شده و به طور کلی خود را بی‌نیاز از خداوند بداند. اعتماد به نفس در کنار اعتماد (توکل) به خدا، باعث امیدواری بیشتر انسان می‌شود. اعتماد به نفس انسان را آماده رویارویی با مشکلات و گرفتاری‌ها و خطرپذیر می‌کند. کسی که از



شناخت و باورها و همچنین تصمیمات و اراده خود مطمئن است، با گام‌های مستحکم و بدون هراس از خرده‌گیری و یا ایجاد مشکل برای دیگران به راه خود ادامه می‌دهد. اعتماد به نفس باعث پایداری در راه هدف است؛ زیرا نافی ترس و ضعف در عملکرد و بینش فرد است؛ لذا یکی از علل شجاعت محسوب می‌شود و به این جهت است که هرکس اعتماد به نفس داشته باشد، با شجاعت بیشتری کارش را پیش می‌برد تا به اهدافش برسد. فردی که اعتماد به نفس دارد، از شکست‌ها و ناکامی‌ها نمی‌هراسد، بلکه شجاعانه دوباره برای رسیدن به اهدافش تلاش می‌کند. امام علی * نیز در نهایت اعتماد به نفس به مسیری که در آن گام بر می‌دارد، اشاره می‌فرماید: «فَوَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِنِّي لَعَلِّي جَادَّةُ الْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَعَلِّي مَزَلَّةُ الْبَاطِلِ أَقُولُ مَا تَسْمَعُونَ وَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ» (دستی، ۱۳۹۰: خطبه ۱۹۷، ۴۱۲) سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست، من بر جاده حق می‌روم، و دشمنان من بر پرتگاه باطل‌اند. ایشان علی‌رغم بی‌مهری‌هایی که در ماجرای غصب خلافت شاهد بودند، هیچ‌گاه از موضع مؤاخذه غاصبان عقب‌نشینی نکردند و همواره حق الهی خود را گوشزد می‌نمودند: «لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي» (همان، خطبه ۷۴، ۱۲۲) ای مردم، شما بخوبی می‌دانید که من از همه کس برای عهده‌داری امر خلافت و پیشوایی، شایسته و سزاوارترم. امام علی * هم در کمالات معنوی و نفسانی و هم در شجاعت و پیکار در راه خدا از تمام صحابه پیامبر | برتر بودند. ایشان در کلام مبارکشان می‌فرمایند: «آیا شناختی که بنی‌امیه از روحيات من دارند، آنان را از عیب‌جویی بر من باز نمی‌دارد؟ و آیا سوابق مبارزات من، نادان را بر سر جای خود نمی‌شناسند که به من تهمت نزنند؟ آنچه خدا آنان را بدان پند داد، از بیان من رساتر است. من مارقین (از دین خارج شدگان) را با حجت و برهان مغلوب می‌کنم و دشمن ناکشین (پیمان‌شکنان) و تردید دارندگان در اسلام می‌باشم. شبهات را باید در پرتو کتاب خدا، قرآن، شناخت و بندگان خدا به آنچه در دل دارند، پاداش داده می‌شوند (همان، خطبه ۷۵، ۱۲۵). مقام معظم رهبری نیز اعتماد به نفس را به جوانان توصیه می‌کنند و از آنان می‌خواهند که خطرپذیر و آماده باشند. ایشان عدم اعتماد به نفس را نوعی ترس (عدم شجاعت) معرفی می‌کنند: «این جرئت و گستاخی و ترسیدن از احتمال موفق نشدن، عامل بسیار مهمی است که ما را پیش می‌برد» (خامنه‌ای: ۱۳۸۵).

بنابراین، اعتماد به نفس یک سرمایه روحی و روانی است و باعث می‌شود بهترین تصمیمات را بگیرد و خود را به چالش بکشاند و برای دیگران هدایت‌گر و الهام‌بخش باشد. اعتماد به نفس به انسان توانایی و به تبع آن، شجاعت مواجهه درست با مشکلات و موانع و چالش‌ها را می‌دهد.



۴. بهره‌مندی از غیرت و حمیت

با تبیین درست معنای غیرت، جایگاه آن به عنوان یکی از علل مهم شجاعت روشن می‌شود. غیرت یعنی ننگ و عار داشتن از انجام کارهای زشت. بحرانی بیان می‌کند که عار داشتن از کار زشت پایه و اساس دلیری و شجاعت است و اندازه قوت و ضعف اقدام بر انجام کار، بستگی به آن دارد (بحرانی، ۱۴۰۴: ۴۵۳/۵).

امیرالمومنین[×] در بیان شیوایی به تبیین مسأله غیرت و لزوم وجود آن جهت حفظ روحیه جوانمردی می‌فرماید: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ وَ صِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مَرْوَةِ تِهِ وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَنْفَتِهِ وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ» ارزش مرد به اندازه همت اوست. راستگویی او به میزان جوانمردی‌اش، و شجاعت او به قدر ننگی است که احساس می‌کند، و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست (دشتی، ۱۳۹۰: حکمت ۴۷، ۶۳۴).

خوانساری شجاعت مرد را بر اندازه همت و غیرت و حمیت او می‌داند. وی ادامه می‌دهد که «بودن شجاعت بقدر همت» اکثری باشد و غالب این باشد که هر که همت او بلندتر باشد، شجاعت او بیشتر باشد. «حمیت» به معنی منع کردن و دفع نمودن امری چند است که نقص و ننگی در آن باشد از خود و اهل و خویشان خود، و ظاهر است که غیرت هر کس بقدر حمیت اوست به این معنی و اینکه هر که کوشش او در دفع نقایص و عیب‌ها از خود و متعلقان خود بیشتر باشد، غیرت او بیشتر باشد (خوانساری، ۱۳۶۶: ۱۸۱/۴).

رهبر معظم انقلاب در بیانات خود، شجاعت جوان امروز را همراه با غیرت او عاملی برای دفاع از هویت دینی و انقلابی معرفی می‌کنند و از طرفی دو عنصر خطرپذیری و پیگیری و پشتکار را (که لازمه حمیت و غیرت است) تأثیرگذار برای پیشرفت ملی می‌دانند (خامنه‌ای: ۱۳۸۵).

۵. ترس از خدا

ترس از خدا و عدم ترس از غیر خدا، یکی از مهم‌ترین علل شجاعت انسان دلیر است. در قرآن کریم نیز بارها این مطلب که جز از خدا یاری نطلبید و جز از او نترسید، مطرح شده است (احزاب: ۳۹). لذا انسان شجاع که در لطف، رحمت و قدرت الهی خود را می‌بیند و به وظایف و تکالیف خود همراه با تدبیر و بصیرت عمل می‌کند، از هیچ قدرتی جز قدرت حق نمی‌هراسد و جز به رضای او نمی‌اندیشد. ترس نیز انواع و مواردی دارد؛ مانند ترس بر جان، ترس بر مال، ترس بر آبرو، ترس از سخن حق گفتن و ترس از انجام تکلیف و غیره. اگر انسان در اثر شناخت و معرفت درست، از خدا



بترسد، قطعاً هیچ ترس دیگری بر او غلبه نخواهد کرد و شجاعت لازم برای هر عملی که در جهت رضایت الهی است، خواهد داشت. چنان‌که می‌فرماید: ترس از خدا ردای خداشناسان است (خوانساری، ۱۳۶۶: ۱/۴۲/ح ۶۶۴).

صرف نظر از شواهد تاریخی، خود امام * نیز در جای‌جای «نهج البلاغه» و کلام مبارکشان به شجاعت بی‌نظیر خود اشاره کرده‌اند: «هر آینه به تحقیق که بودم من و نه تهدید کرده می‌شدم به حرب، و نه ترسانیده می‌شدم به ضرب. «تهدید» هم بمعنی تخویف و ترسانیدن است و مراد اظهار شجاعت خود است به عنوانی که از جنگ و حرب و زدن و ضرب باکی نداشته و کسی آن حضرت را به آنها تخویف و تهدید نمی‌توانست کرد» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۵/۵۴).

مقام معظم رهبری در مورد عدم وحشت و هراس امیرالمومنین * از غیر خدا، می‌فرمایند: «این، آن علی * درخشان تاریخ است؛ خورشیدی که قرن‌ها درخشیده و روزبه‌روز درخشان‌تر شده است. این بزرگوار، هر جا که گوهر انسانی وجودش لازم بود، حضور داشت؛ ولو هیچ‌کس نبود. می‌فرمود: «لا تستوحشوا فی طریق الهدی لِقَلَّةِ اهله»؛ ... هر چه نگاه می‌کنید، شجاعت است...» (خامنه‌ای: ۱۳۷۴). بنابراین، با توجه به سیره و سخنان امیرالمومنین و رهبر معظم انقلاب، ترس از خدا که بر مبنای معرفت، حکمت و بصیرت است، عامل دلیری و شجاعت انسان در عرصه‌های گوناگون است.

۶. تعالیم اسلام

نقش دین در حیات معنوی و اخلاقی زندگی بشری بسیار واضح و روشن است. حال اگر این دین، کامل‌ترین معارف توحیدی، معنوی و اخلاقی را داشته باشد که ناظر به زندگی اخروی و بر محور آخرت است، نقشی پررنگ‌تر و اساسی‌تر در اخلاق و رفتار انسان‌ها و قوت روحانی آن‌ها ایفا خواهد نمود. لذا یکی از علل شجاعت امام علی *، تعالیم کامل و متعالی نظام اعتقادی و اخلاقی اسلام است. «ستایش خداوندی را سزااست که راه اسلام را گشود، و راه نوشیدن آب زلالش را بر تشنگان آسان فرمود. ستون‌های اسلام را در برابر ستیزه‌جویان استوار کرد و آن را پناهگاه امنی برای پناه‌برندگان، و مایه آرامش برای وارد شوندگان قرار داد. اسلام، ... و روشن‌بینی برای صاحبان عزم و اراده، پندپذیری برای عبرت‌گیرندگان، عامل نجات و رستگاری برای تصدیق‌کنندگان، و آرامش‌دهنده تکیه‌کنندگان، راحت و آسایش توکل‌کنندگان، و سپری نگهدارنده برای استقامت‌دارندگان است» (دشتی، ۱۳۹۰: خطبه ۳۶، ۱۹۷).



رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز می‌فرمایند علت مقاومت و پیروزی مسلمانان در منطقه و این‌که زیر چتر دولت‌های غربی و مستکبر نرفتند، تعالیم شریعت اسلام انقلابی است: «چه مانع شده است از اینکه مقاصد اینها تحقق پیدا کند؟ اسلام انقلابی یا انقلاب اسلامی - هر دو تعبیر درست است؛ ... اگر اسلام نبود، ایمان به خدا نبود، ایمان به معارف اسلامی نبود، تعهد و پابندی به وظایف دینی نبود، نظام جمهوری اسلامی هم مثل دیگران می‌رفت زیر چتر همین نظام سلطه و قدرت استکباری آمریکا و غیر آمریکا...» (خامنه‌ای، سیدعلی: ۱۳۹۵).

ولهوزن، مستشرق آلمانی، می‌گوید: «اسلام، جهان را زیر پای عرب نهاد و اگر آن نبود به چنین مکانتی نمی‌رسیدند» (مغنیه، ۱۳۸۷: ۴۶۴).

۷. نسب والا و شریف

از جمله علل شجاعت، داشتن نسب والا و ویژه است. عرب، شأن و اهمیّت ویژه‌ای برای نسب قائل بود. در بین قبایل عرب، حقوق انسانی و حتی ارزش زندگی هر کس به نسب او بستگی داشت. نسب هر فرد میزان حمایت اجتماعی و دفاع طبقه یا خانوادگی از او بود. در دوره‌های پیشین، به نسب همانند شناسنامه امروزی احساس نیاز می‌کردند؛ چنان‌که افراد بدون آگاهی به نسب خود، بی‌شناسنامه و مجهول شمرده می‌شدند و نمی‌توانستند به استیفای حقوق خود بپردازند. بنابراین، دسترسی به انساب از طریق علم انساب، فقط برای تبعیض نژادی و یا تفاخر طبقاتی و همچنین برتری جویی قبیله‌ای نبود، بلکه وسیله‌ای برای جایگاه و ترقی اجتماعی نیز بود.

در این میان، نسب امام علی ع نیز در شکل‌گیری شجاعت ایشان مؤثر بوده است. ایشان تعلق به خاندان بنی‌هاشم؛ که از غیورترین و اصیل‌ترین قبایل عرب بودند را مایه فخر و مباهات خود دانسته‌اند: «(از قریش پرسیدند): اما بنی‌مخزوم، گل خوشبوی قریشند، که شنیدن سخن مردانشان، و ازدواج با زنانشان را دوست داریم، اما بنی‌عبد شمس دوراندیش‌تر، و در حمایت مال و فرزندان توانمندترند که به همین جهت بدانندیش‌تر و بخیل‌تر می‌باشند، و اما ما (بنی‌هاشم) آنچه را در دست داریم بخشنده‌تر، و برای جانبازی در راه دین سخاوتمندتریم. آنها شمارشان بیشتر اما فریب‌کارتر و زشت‌روی‌ترند، و ما گویاتر و خیرخواه‌تر و خوش‌روی‌تریم» (دستی، ۱۳۹۰: حکمت ۱۲۰، ۶۵۲).

پیامبر اکرم ص نیز در حدیث زیبایی می‌فرمایند: «و به حسین علیه‌السلام، بخشش و شجاعت خویش را بخشیدم» (اربلی، ۱۳۸۲: ۱۵۴).

رهبر معظم انقلاب نیز جزء فرزندان و از تبار خاندان اهل بیت علیهم‌السلام و سلاله علی بن ابی‌طالب ع و فاطمه زهرا (س) می‌باشند. شجاعت ایشان در گفتار و رفتار در تمام طول مدت مبارزه با



رژیم فاسد پهلوی مشهود بود و شاید بتوان نسب و تبار ایشان را، عاملی برای شجاعتشان محسوب نمود. در خاطرات آیت الله علی‌الاسحاق آمده است: «یک بار در زمان شاه [وقتی آیت الله خامنه‌ای در تبعید در سیستان بودند] ایشان را دستگیر کرده و از ایشان می‌پرسند: ارتجاع چیست؟ مرتجع کیست؟ ایشان در جواب، ارتجاع را در معنی لغوی «عقب‌گرد کردن» و در اصطلاح به معنای «عقب‌گرد کردن در مسائل سیاسی و اقتصادی» معنا کرده بودند و مرتجع واقعی در ایران را شاه معرفی کرده بودند. به خاطر این که کشور را از نظر سیاست، در وضعیت عقب‌نگه داشته است... سپس ایشان را به شکنجه‌گاه تهران فرستاده بودند. بعد از مدتی، دوباره ثابتی [از مقامات ارشد ساواک]، همان سؤال‌ها را از ایشان پرسیده و ایشان هم گفته بود که در زاهدان به این سؤالات پاسخ دادم... بعد از بهبودی که از او سؤال می‌کنند، ایشان می‌گویند: «در زاهدان جواب داده‌ام.» دوباره از او می‌پرسند: «نمی‌شود، باید مفصل پاسخ دهی» و ایشان دوباره همان پاسخ را می‌دهد و شاه را مرتجع می‌خواند. من فریفته این شجاعت ایشان شده بودم» (شمسا و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۵۶).

ج. گونه‌های شجاعت در سخنان امیرالمومنین * و مقام معظم رهبری

شجاعت به معنای دوری از جبن و ترس است و چون ترس دارای انواع و گونه‌های مختلفی است، بالتبع شجاعت هم گونه‌های مختلفی خواهد داشت؛ لذا اقسام و گونه‌های مختلف و دسته‌بندی‌ها و مصادیق متنوعی را برای آن ذکر کرده‌اند که بعضی کلی و بعضی جزئی است. به عنوان مثال، شهید مطهری شجاعت را بر سه قسم جنگی، اخلاقی و عقلی یا ادبی دسته‌بندی کرده است (مطهری، ۱۳۷۸: ۶۷/۱۳).

مقام معظم رهبری، امیرالمومنین * را الگو و مظهر شجاعت در تمام گونه‌های آن می‌دانند و می‌فرمایند: «آن حضرت در بعضی از این جنگ‌ها، بیست و چهار ساله بوده، در بعضی جنگ‌ها بیست و پنج ساله بوده و در بعضی جنگ‌ها سی سال بیشتر نداشته است. یک جوان بیست و هفت، هشت ساله، با شجاعت خود در میدان جنگ، اسلام را پیروز کرد و آن عظمت‌ها را آفرید. این، مربوط به شجاعت امیرالمومنین علیه‌الصلاة والسلام در میدان جنگ بود. اما من عرض می‌کنم: ای علی بزرگ! ای محبوب خدا! شجاعت تو در میدان زندگی به مراتب از شجاعت تو در میدان جنگ بالاتر بود» (خامنه‌ای: ۱۳۷۴).

گونه‌ها و مواردی که در این تحقیق ذکر می‌شود با توجه به احادیث امیرالمومنین * و کلام و سخنان مقام معظم رهبری است:



۱. شجاعت در اجرای عدالت و ظلم ستیزی

از مهم‌ترین اصول اداره امور در اندیشه و سیره سیاسی پیامبر اکرم^۸ و ائمه معصومین^۹، اصل عدالت است. عدالت معیار همه چیز است، به گونه‌ای که با آن می‌توان به اهداف حکومت اسلامی و فراهم نمودن زمینه تعالی فرد و جامعه دست یافت. ملاک و معیار بودن عدالت در اداره مردم تا بدان جاست که قوانین اجتماع باید تابع عدالت باشد تا استحقاق‌ها در همه امور رعایت شود و هرگونه تبعیض از جامعه کنار زده شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

عدالت ورزیدن نیاز به شجاعت دارد. انسان‌های عادل از شجاعت و شهامت اخلاقی برخوردارند و تماشایی صحنه‌های ظلم و بی‌عدالتی نیستند و همواره در برابر حرکت‌های ناروا مقاومت می‌کنند؛ زیرا جوهره آن‌ها با عدالت عجین شده است (منصوری لاریجانی، بی‌تا، ۱۱۵/۱).

امیرالمومنین^{۱۰} درباره اموال فراوان بیت‌المال که عثمان غیرعادلانه به بعضی از خویشاوندان خود بخشیده بود، فرمود: «وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْإِمَاءُ لَرَدَدْتُهُ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مِنْ ضَاقٍ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ» (دشتی، خطبه ۱۵، ۷۵)؛ به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن‌کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است.

ابن‌میشم نیز در تشریح جایگاه عدالت و شجاعت می‌گوید: «چون دانستی که ملکه اخلاق و عفت و شجاعت به کامل‌ترین وجهی برای علی^{۱۱} ثابت است و روشن شد که این سه خصلت لازمه عدالت است، ثابت می‌شود که ملکه عدالت برای آن حضرت مسلم بوده است» (بحرانی، ۱۴۰۴: ۴۳۵/۵).

در بیان جایگاه عدالت امام^{۱۲} در طول حیات سیاسی ایشان همین بس که ایشان را «شهید عدالت» می‌نامند. یعنی ایشان تا آنجا در راه احقاق عدالت پیش رفتند که منجر به بذل جان شریفشان در این راه شد. مقام معظم رهبری نیز در مورد شجاعت در عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی می‌فرمایند: «این حادثه عظیم، منشأ مقایسه‌ای به یادماندنی میان دو گونه رفتار با دولت خشن و زورگوی صهیونیست و حامیان بی‌انصاف آن است: رفتاری از سر شجاعت و عدالت‌خواهی و متکی بر فداکاری مؤمنانه جوانان، و رفتاری از سر تسلیم و گریز و متکی بر تصمیم مستکبران» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹).

ظلم ستیزی و عدم پذیرش زور، یکی از مهم‌ترین گونه‌های شجاعت است. شخص دلیر و شجاع حرف زور و عمل ظالمانه را به هیچ عنوان نمی‌پذیرد. در متون اسلامی، ظلم‌ستیزی بسیار اهمیت دارد، چنان‌که در قرآن کریم یکی از اهداف بعثت انبیا، برقراری قسط و عدل و جلوگیری از بی‌عدالتی و ظلم است (حدید: ۲۵).



۲. شجاعت در صبر بر مشکلات

شجاعت و صبر رابطه تنگاتنگی با هم دارند. صبر یا خویشتن‌داری و بردباری یکی از راه‌های مقاومت انسان در شرایط دشوار می‌باشد. صبر همان پایداری انسان در برابر موقعیت‌های تحریک یا تأخیر است، بدون آنکه باعث دلخوری یا خشم یا سایر راه‌های زشت و منفی شود. شخص شجاع در این حوزه از مشکلات و گرفتاری‌ها نمی‌هراسد و مقاومت می‌ورزد. لذا صبر به معنای سکون و سکوت نیست و از طرفی هر سکون و سکوتی هم نشانه بردباری و مقاومت نیست. فرد صبور، نه تن به ذلت می‌دهد و عقب می‌نشیند نه جنگ بی‌حاصل و پرخسارت را به اسم شجاعت بر خود و دیگران تحمیل می‌کند؛ بلکه با آگاهی واقعیت‌ها را می‌سنجد و با جستجوی یک راه حل منطقی، به مدیریت موقعیت ناخوشایند چه با جنگ و چه با صلح می‌پردازد.

بنابراین، صبر و بردباری و شجاعت همراه با آن‌ها انواع مختلفی دارند و هرکدام از آن‌ها ویژگی خاص خودشان را دارند، مانند صبر در مقابل حملات دشمن و تسلیم نشدن، صبر بر بدرفتاری و اذیت و آزار دیگران و امام علی * می‌فرماید: «الشجاعة صبرٌ ساعة» شجاعت ساعتی صبر کردن است (نوری، ۱۹۸۷-۱۴۰۷: ۱۴۲/۱۳ ح/۲۱۲۴۵۱). همچنین در جای دیگری فرموده‌اند: «العَجْزُ آفَةٌ، وَ الصَّبْرُ شَجَاعَةٌ». به ستوه آمدن، آفت است و نستوهی، شجاعت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۰/۷۰ ح/۲۶۳۴۴۸).

تصور سال‌ها صبر و سکوت امیرالمومنین * در برابر غصب خلافت برای انسان‌های عادی بسیار دشوار است؛ لکن ایشان این دوران را به سبب حفظ دین و جامعه اسلامی تحمل نمودند: >در شرایطی قرار دارم که اگر سخن بگویم، می‌گویند بر حکومت حریص است، و اگر خاموش باشم، می‌گویند: از مرگ می‌ترسید. هرگز! من و ترس از مرگ؟ پس از آن همه جنگ‌ها و حوادث ناگوار سوگند به خدا، انس و علاقه فرزندان ابیطالب به مرگ در راه خدا، از علاقه طفل به پستان مادر بیشتر است. اینکه سکوت برگزیدم، از علوم و حوادث پنهانی آگاهی دارم که اگر بازگویم، مضطرب می‌گردید، چون لرزیدن ریسمان در چاه‌های عمیق (رک: مکارم، ۱۳۷۹: ۶۱۴/۲).

انسانی که در مواقع گوناگون، مانند حین انجام گناه، انجام وظیفه یا هنگام سختی‌ها و ناملایمات، صبر می‌کند در حقیقت شجاع است و از قوت قلب و روح برخوردار است. در واقع، دشمن دو گونه است: داخلی و بیرونی. فردی شجاع‌تر است که در مقابل هر دو دشمن صبر و مقاومت داشته باشد. مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرماید: «برادران عزیز! هیچ کار بزرگی جز با فداکاری و صبر به دست نمی‌آید؛ هیچ هدفی جز با تلاش و مجاهدت به دست نمی‌آید... اما مردم در انقلاب ما -



که مسلمانان را نیز به حرکت درآورد - به فضل پروردگار، عزت و شرف و پیشرفت دنیا را به دست آوردند؛ II و ما عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى O؛ (قصص: ۶۰) روشنی چشم آنها، پیش خدا و در آخرت است» (خامنه‌ای: ۱۳۷۰).

یکی از نکات مهمی که ایشان در مورد شجاعت در صبر و استقامت می‌فرمایند، این است که ایستادگی و مقاومت علت از بین رفتن خوف و ترس است. همان طور که امیرالمومنین * هم در هنگام پناه بردن به رسول خدا در جنگ‌ها به این مطلب اشاره نمودند: «در رکاب پیامبر خدا | بودیم و با پدران و فرزندان و برادران و عموهای خود جنگ می‌کردیم، که این مبارزه بر ایمان و تسلیم ما می‌افزود، و ما را در جاده وسیع حق و صبر و بردباری برابر ناگواری‌ها و جهاد و کوشش برابر دشمن، ثابت قدم می‌ساخت» (دشتی، خطبه ۵۶، ۱۰۶).

رهبر معظم انقلاب نیز در این مورد می‌فرمایند: «ترس و اندوه دو آفت بزرگ است؛ این دو آفت با بشارت قرآنی برداشته می‌شود؛ همچنان‌که اگر مقاومت هم بکنیم، این دو آفت برداشته می‌شود... مقاومت هم همین جور است. اگر می‌خواهید خوف نداشته باشید، حزن نداشته باشید، مقاومت و استقامت را سرمشق کار خودتان قرار بدهید؛ آن وقت خوف هم نخواهید داشت، حزن هم نخواهید داشت» (خامنه‌ای: ۱۳۹۹).

بنابراین، باید در صبر در مشکلات و سختی‌ها شجاعت به خرج داد. عدم شجاعت در تحمل سختی‌ها انسان را به شکست و عقب‌نشینی و ذلت و می‌دارد و برعکس، شجاعت در ایستادگی باعث عروج به قله‌های رفیع کمال و انسانیت می‌شود.

۳. شجاعت در جنگ و جهاد

شجاعت شدت و قوت قلب در سختی‌ها است؛ اما باید توجه داشت که شدت قلب غیر از قساوت قلب است. شجاعت باعث انجام کار با قوت است، ولی قساوت به معنای سنگ‌دلی و عدم ترحم است. شجاعت و دلیری چنین نیست.

شجاعت در جنگ یعنی پردل، سریع‌الانتقال و باجرات بودن که به آسانی اقدام می‌کند (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷: ۵۹). لذا شجاع در جنگ کسی است که شجاعانه در برابر دشمن ایستادگی می‌کند؛ زیرا می‌داند اگر جهاد با دشمن را ترک کند، جز ذلت و خواری چیزی نصیب او نمی‌شود.

از میان القاب متعدد حضرت، بعضی از آنها حاکی از شجاعت ایشان است:

الف. حیدر: «حیدر» به معنای شیر، از نام‌های مشهور امیرالمؤمنین علی * است که معمولاً با پسوند «کرار» به کار می‌رود



ب. اسدالله: این لقب نماد شجاعت و دلیری حضرت است. امام علی * در برابر توده مسلمانان، رؤف‌ترین و مهربان‌ترین بود؛ ولی در برابر خائنان و دشمنان، قوی و خشن. چند لقب دیگر نظیر «اشد الناس»، «اشجع الناس» و «کزار غیر قزار» نیز به همین معنا است. در حدیث معراج، علی * «اسدالله الغالب» نامیده شده است (رشاد، ۱۳۸۰: ۳۴۴-۳۴۵).

بنابراین، رویارویی با دشمن مسلح و پنجه در پنجه او افکندن، اراده‌ای پولادین و دلی شیر می‌خواهد. در این گونه از شجاعت، مجاهد در راستای اراده و رضایت حق، خود را به دل لشکر دشمن می‌زند (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۹/۱). همچنین، شخص ترسو و بزدل در وقت خلوت و تنهایی شجاعت نشان می‌دهد، ولی در وقت جنگ از خوف می‌لرزد (مدرس وحید، بی تا، ۱۹۱/۹). امام علی * از شجاعت به جهاد تعبیر کرده به دلیل این که لازمه جهاد، داشتن شجاعت است، و این تعبیر از باب اطلاق اسم ملزوم بر لازم است (بحرانی، ۱۴۰۴: ۴۳۳/۵).

رهبر معظم انقلاب نیز لازمه شرکت در جنگ و جهاد را ترسیدن از دشمن در راه خدا معرفی می‌کنند: «برجستگی‌های یک نیروی مسلح عبارت است از ایمان و شجاعت و دانش. این سه عنصر از جمله عناصر بسیار مهم در تشکیل هویت یک نیروی مسلح است. اگر شجاعت نباشد، نیروی مسلح به وظیفه‌ی خود در هنگامه‌ی خطر عمل نخواهد کرد...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

بنابراین، در سیره و سخنان امیرالمومنین * و رهبر معظم انقلاب، شجاعت جنگی این است که در مبارزه‌های خونین و خطرناک که خطر کشتن، زندانی شدن، غارت شدن و شکست خوردن در کار است، شخص نهراسد و ترسد و در اجتماع از هیبت مقامات عالیه و از مخاطرات زندگی باک نداشته و بر ترس خود غلبه نماید.

۴. شجاعت در اقدام

شجاعت در اقدام متفاوت و عام‌تر از شجاعت در اجرای عدالت و شجاعت در جنگ است، زیرا انسان در طول زندگی خود و گذراندن آن، جدای از اجرای عدالت و یا عدم آن، باید بین گزینه‌های مختلف، انتخاب و اقدام کند. گاهی ترس از انجام کار بزرگ او را عقب می‌اندازد و دچار پشیمانی و شکست می‌شود. بنابراین، «شجاعت عبارت است از ملکه اقدام لازم بر اموری که انسان باید خود را بدان و سیله برای تحمل ناگواری‌ها و رنج‌هایی که به او متوجه می‌شود، آماده سازد» (بحرانی، ۱۴۰۴: ۴۳۳/۵). لذا کسی که ضعف قلب و روح دارد، جرات بر عمل و اقدام ندارد، اما شخص شجاع، بعد از فهم این که انجام کار، صحیح است، درنگ نمی‌کند و با قوت و قاطعیت اقدام می‌نماید. امیرالمومنین * مظهر تام و تمام این نوع از شجاعت است، چنان که می‌فرمایند: «اصحاب و یاران حضرت محمد | که



حفاظان اسرار او می‌باشند، می‌دانند که من حتی برای يك لحظه هم مخالف فرمان خدا و رسول او نبودم، بلکه با جان خود پیامبر را یاری کردم. در جاهایی که شجاعان قدم‌هایشان می‌لرزید، و فرار می‌کردند، آن دلیری و مردانگی را خدا به من عطا فرمود» (دشتی، خطبه ۱۹۷، ۴۱۲).

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «یک سفارش دیگر، شجاعت در اقدام است. گاهی اوقات بعضی از تشکّل‌ها می‌گویند "نکند این کار را بکنیم - مثلاً فرض کنید که - فلان آدم یا فلان دستگاه نگران بشوند، ناراحت بشوند یا فلان؛ نه، شما اقدامتان را انجام بدهید، منتها آن وقتی که فهمیدید این اقدام نادرست است، از همان جا متوقفش کنید، یعنی همان جا برگردانید راه را؛ یعنی در انجام کارها و اقدام [شجاعت داشته باشید]» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶).

ایشان در صحبت‌های دیگرشان نیز بیان می‌دارند که با تزلزل و ترس و لرز نمی‌شود کارهای بزرگ انجام داد و به نتیجه رسید؛ لذا باید بعد از بررسی‌های لازم شجاعانه وارد میدان شد و اقدام نمود (همان: ۱۳۸۶). ایشان همچنین بیان می‌دارند که بالاخره هر اقدام مثبتی و هر کار مهمی ممکن است یک عده‌ای مخالف داشته باشد: «یک شرط مهم برای ایجاد تحوّل، نترسیدن از دشمن و دشمنی‌ها است. خدای متعال به پیغمبرش می‌فرماید که II وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ؛ (احزاب: ۳۷) از مردم نباید بترسی؛ از حرف این و آن نباید بترسی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹).

بنابراین، با توجه به سیره و سخنان امیرالمومنین * و تغییر و تحولاتی که بعد از به دست آوردن حاکمیت ایجاد کردند، و همچنین رهبر معظم انقلاب، شجاعت در عمل و ایجاد تحول را می‌توان زیرمجموعه‌ای از شجاعت در اقدام دانست. کسی که شجاع است و در مورد صحت کاری مطمئن شد، از اقدام برای تحول و تغییر هم نمی‌هراسد و ترس از مخالفان را به خود راه نمی‌دهد تا بتواند به موفقیت و کامیابی دست یابد.

۵. شجاعت در بیان حق

پذیرش و بیان حق در اسلام بسیار مهم است. در مرتبه بیان حق، می‌توان امر به معروف را نیز در نظر داشت. پایبندی به حق در کنار توحید از ارکان اسلام است، چراکه پذیرش اسلام و گفتن شهادتین از بالاترین مرتبه پذیرش حق و بیان آن است. شهید مطهری در مساله دفاع از حق بیان می‌دارند که دو نوع دفاع وجود دارد: یکی دفاع از حق به معنی حقیقت و دیگری دفاع از حق به معنی حقوق اجتماعی (مطهری، ۱۳۹۵: ۲۲/۷۹۴).

امام علی * به‌عنوان قرآن‌ناطق، از اولین عمل‌کنندگان به فرامین روح‌بخش آن و از نخستین



ایمان‌آوردگان به امدادهای غیبی الهی به شمار می‌رود و به حق‌گویی قرآن اشاره می‌کند: «وَكِتَابُ اللَّهِ بَيِّنٌ أَظْهَرَ كُمْ نَاطِقٌ لَا يَغِيَا لِسَانُهُ وَبَيَّتْ لَا تُهْدَمُ أَرْكَائُهُ وَعِزُّ لَا تُهْزَمُ أَعْوَانُهُ» کتاب خدا، قرآن، در میان شما سخن‌گویی است که هیچ‌گاه زبانش از حق‌گویی کُند و خسته نمی‌شود و همواره گویاست، خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد، و صاحب عزتی است که یارانش هرگز شکست ندارند (دشتی، خطبه ۱۳۳، ۲۵۱).

در بیانی دیگر، امام علی * به تشریح الگوی عملی خود در حق‌گویی و پیروی از حق می‌پردازند: «روزی که خلافت به من رسید در قرآن نظر افکندم، هر دستوری که داده، و هر فرمانی که فرموده پیروی کردم، به راه و رسم پیامبر اقتدا کردم. پس هیچ نیازی به حکم و رأی شما و دیگران ندارم، هنوز چیزی پیش نیامده که حکم آن را ندانم، و نیاز به مشورت شما و دیگر برادران مسلمان داشتم باشم، اگر چنین بود از شما و دیگران روی گردان نبودم» (همان، خطبه ۲۰۵، ۴۲۷).

آیت‌الله خامنه‌ای در این مورد، امام علی * را پیرو حق معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «...آری؛ هنگامی که آن خویشاوند، مشعل اسلام را بر سر دست بلند کرد، بی‌اعتنایی کردند، اهانت کردند، تحقیر کردند، مسخره کردند. اما علی که نوجوانی بیش نبود، به پا خاست و گفت پسرعمو! من ایمان می‌آورم. البته وی قبلاً ایمان آورده بود؛ ...انسانی نوجوان در میان امواج سهمگین مخالف، محکم و استوار مثل کوه می‌ایستد و می‌گوید: «من خدا و این راه را شناختم» و بر آن پافشاری می‌کند. شجاعت این است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴).

بنابراین، بیان حق یکی از مهم‌ترین گونه‌ها و حوزه‌های شجاعت در سیره و سخنان امام علی * و رهبر معظم انقلاب است، زیرا ترک آن باعث جاگیر شدن و رواج ظلم و ستم به خود و دیگران می‌شود و گفتن و ابراز حق، از ظلم و کج‌روی‌ها جلوگیری می‌کند.

۶. شجاعت در فهم صحیح

عمل به حق و در مسیر حق قدم گذاشتن، فرع بر فهم درست و یا شجاعت در فهم است. گاهی انسان به دلیل تعصب به مطلب، انس با آن و یا به خاطر هم‌رنگ جماعت شدن، شجاعت دریافت و پذیرش فهم جدید و درست را از دست می‌دهد. انسان‌ها عموماً خوب گوش نمی‌دهند چون نمی‌خواهند از ذهنشان خارج شوند. زیرا بیرون آمدن از ذهن و باور خویش یعنی کل شخصیت را معلق نگه داشتن و از نومتولد شدن و این مساله بسیار سنگین است و شجاعت لازم دارد. لذا در روایات به فهم درست سفارش شده است که لازمه آن شناخت و فهم درست و شجاعانه حقیقت، بدون در نظر گرفتن مشکلات و گرفتاری‌ها و سوء ظن‌ها است. «عَلَيْكُمْ بِالذِّرَايَاتِ»، بر شما باد فهم درست (کراجکی، ۱۴۱۰: ۳۱/۲).

امام علی * می‌فرمایند: «گوش‌های دل‌هایتان را آماده کنید تا بفهمید» (دشتی، خطبه ۱۸۷).



شخص ترسو گوش دل آماده ندارد. از سانی که شجاعت و قدرت مقابله با مشکلات و مخالفت‌ها و تعصب‌ها و آرزوهای دنیوی و طمع‌هایش را ندارد، قلب و دلش آمادگی لازم برای فهم درست را نخواهد داشت. لذا امیرالمومنین می‌فرمایند: «بیشترین لغزش خردها در هنگام درخشندگی طمع‌هاست» (دستی، حکمت ۲۱۹). همچنین می‌فرمایند: «آرزو خرد را دچار خطا می‌کند» (دستی، خطبه ۸۶). بنابراین، انسانی که در برابر آرزوها و طمع‌ها و عواطف و تقلید و دیگر مشکلات، دل قوی می‌دارد و با شجاعت و استقامت تمام، برای فهم حقیقت آماده می‌شود، قطعاً فردی ترسو و بزدل نیست؛ بلکه شجاع‌دلی است که شجاعانه پا در عرصه فهم و شناخت گذاشته و عواقب آن را هرچه که باشد به جان خریده است.

رهبر انقلاب اسلامی شجاعت در فهم در کنار شجاعت در عمل را یکی دیگر از نیازهای کنونی جامعه و به‌ویژه خواص برشمردند و تأکید کردند: ترس از مال و جان و آبرو، ترس از جو و فضا، و انفعال در مقابل مخالفان نظام موجب اختلال در فهم صحیح انسان از موضوعات می‌شود. بنابراین، در بیان موضع حق و صحیح نباید ملاحظه‌ی تهمت‌ها و مسائل دیگر را کرد. ایشان خاطرنشان کردند: علت اصلی فتوحات بزرگ علمی، سیاسی و اجتماعی امام بزرگوار رحمة‌الله‌علیه و جذب دل‌های مردم به سوی امام، شجاعت کم‌نظیر ایشان بود (خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

رهبر معظم انقلاب در جای دیگری بر این مورد از شجاعت تأکید دارند و می‌فرمایند: «ما نه فقط در عمل احتیاج به شجاعت داریم، در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم. در فهم فقیهانه، احتیاج به شجاعت هست؛ اگر شجاعت نبود، حتی در فهم هم خلل به وجود خواهد آمد... ما شجاعت داشته با شیم، ترس نداشته با شیم؛ والا ترس از مالمان، ترس از جانمان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جو، ترس از فضا؛ اگر این حرف را بزنیم، علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را بزنیم، فلان لکه را به ما خواهند چسباند؛ این ترس‌ها فهم انسان را هم مختل می‌کند. گاهی انسان به خاطر این ترس‌ها، به خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمی‌فهمد؛ نمی‌تواند مسئله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد» (همان).



نتیجه‌گیری

شجاعت فضیلت اخلاقی است که خدای متعال رسول گرامی و یارانش را به آن می‌ستاید. فهم عوامل و گونه‌های آن در تحقق این فضیلت و آثار مبارک و حیاتی آن در انواع و حوزه‌های گوناگون بسیار مهم و بااهمیت است؛ به ویژه برای کسانی که صاحب مقام و مناصب اجتماعی، سیاسی و نظامی هستند. برای این افراد ضرورت بیشتری دارد تا منافع دنیوی و معنوی مردم و حوزه‌های تحت مدیریت ایشان در خطر قرار نگیرد.

این مساله در روایات امام علی ع و سخنان مقام معظم رهبری نیز بسیار پررنگ و مورد تاکید است. نتیجه تطبیقی آن دو این است که فضیلت شجاعت علل و گونه‌های متعددی دارد؛ مانند پذیرفتن اسلام، باورمندی به لطف و یاری الهی و ترس از خدای متعال و همچنین گونه‌هایی مانند شجاعت در عدالت و ظلم‌ستیزی، شجاعت در صبر، شجاعت در اقدام، و شجاعت در فهم صحیح. همچنین در کلام امام علی ع و نیز بیانات مقام معظم رهبری، ایستادگی و مقاومت در مقابل دشمن، باعث از بین رفتن خوف و ترس است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع

۱. القرآن الکریم، ترجمه رضایی اصفهانی، محمدعلی، قم، ایران: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس و هارون، عبدالسلام محمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الإعلام الاسلامی، مرکز النشر، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن میثم، میثم بن علی، شریف رضی، محمد بن حسین، و علی بن ابی طالب[×]، امام اول، شرح نهج البلاغة (ابن میثم)، تهران: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
۴. اتابکی، پرویز، آیتی، عبدالمحمد، مدرسی، محمدتقی، آرام، احمد، و شعار، جعفر، تفسیر هدایت، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۷-۱۳۷۸ ش.
۵. آخوندی، مصطفی، الهامی نیا، علی اصغر و فرقانی، قدرت الله، جهاد در آینه روایات، قم: نشر زمزم هدایت، ۱۳۸۴ ش.
۶. اربلی، علی بن عیسی و شعرانی، ابوالحسن، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة^۸، علی بن حسین زوارنی (مترجم)، تهران: اسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۸۴ ش.
۷. ارسطو، و لطفی، محمدحسن، اخلاق نیکوماخوس (ترجمه)، تهران: طرح نو، ۱۳۸۵ ش.
۸. آژی، حمیدرضا، مظاهری، حسین، و ابوالقاسمی، محمود، کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی، تهران: نشر ذکر، ۱۳۸۳ ش.
۹. امین، نصرت بیگم، و ابن مسکویه، احمد بن محمد، اخلاق و راه سعادت، تهران: فیض کاشانی، ۱۳۶۹ ش.
۱۰. انصاریان، حسین، کمره ای، خلیل، و مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی، عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن، قم: دارالعرفان، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. حسن زاده آملی، حسن، هزار و یک کلمه، ۷ ج، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۷۵-۱۳۷۷ ش.
۱۲. خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، معاونت پژوهشی، و قدوسی زاده، حسن، نکته های ناب، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۴. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغة، تهران: پیام عدالت، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. دلشاد تهرانی، مصطفی، دولت آفتاب، تهران: انتشارات دریا، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۱۶. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی، ۱۰ ج (سیره)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. سجادی، جعفر، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۵ ش.



۱۸. شرتونی، سعید، أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، تهران: منظمة الاوقاف و الشؤون الخیریة، دار الأسوة للطباعة و النشر، ۱۳۷۴-۱۴۱۶ ش.
۱۹. شهیدی، جعفر، دهخدا، علی اکبر، مهرکی، ایرج، ستوده، غلامرضا، و سلطانی، اکرم، لغت‌نامه: فرهنگ متوسط دهخدا، ۲ ج، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۹۰ ش.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، و موسوی، محمد باقر، تفسیر المیزان (ترجمه)، ۲۰ ج، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. علی بن ابی طالب *، امام اول، ابراهیم، محمد ابوالفضل، و ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید)، قم: مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۲۲. علی بن ابی طالب *، امام اول، آمدی، عبدالواحد بن محمد، و رجایی، مهدی، غرر الحکم (تصحیح رجایی)، ۱ ج، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۳. فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغة [فیض الاسلام]، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ ش.
۲۴. قرشی، سید علی اکبر، مفردات نهج البلاغة، قم: دفتر نشر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۲۵. کراجکی، محمد بن علی، و نعمه، عبد الله، کنز الفوائد، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. لیشی واسطی، علی بن محمد، و حسنی بیرجندی، حسین، عیون الحکم و المواعظ، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۷۶ ش.
۲۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت‌الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خرسان، محمد مهدی و دیگران، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. مدرس وحید، احمد، شرح نهج البلاغة، قم: خیام، بی تا.
۲۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، ۲۸ ج، تهران: صدرا، چاپ بیستم ۱۳۹۵ ش.
۳۰. مطهری، مرتضی، یادداشت‌های استاد مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۹۸ ش.
۳۱. مغنیه، محمد جواد، ترجمه فی ضلال نهج البلاغة (در سایه سار نهج البلاغة)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، شرح تازه و جامعی در نهج البلاغة، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش.
۳۳. منصوری لاریجانی، اسماعیل، منشور عدالت، تهران: مهدی القرآن، بی تا.
۳۴. مهدوی دامغانی، محمد، [مترجم]، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید، تهران: نشر نی، ۱۳۷۳ ش.



۳۵. ناظم زاده قمی، سید اصغر، کتاب جلوه‌های حکمت، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۳۶. نفیسی، علی اکبر، و فروغی، محمدعلی، فرهنگ نفیسی، تهران: خیام، بی تا.
۳۷. نوری، حسین بن محمدتقی، و مؤسسة آل البيت^۸ لاحیاء التراث، خاتمة مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت^۸ لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۳۸. کورتیس، دورا اف، و ال کلی، لیزا، مقاله (تاثیر مداخله رهیاری کیفیت زندگی بر شجاعت روانشناختی و خودتعیین گری)، مترجم: پندار، فاضل، مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت، شماره ۱، ص ۸۹-۱۰۹: بهار ۱۳۹۶ ش.
۳۹. منابع اینترنتی:
۴۰. سایت مقام معظم رهبری: <https://khamenei.ir/>.
۴۱. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری: <https://khl.ink/f/۴۱۹۹۴>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸.
۴۲. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۸، بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۴۸>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸.
۴۳. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری: <https://khl.ink/f/۴۱۹۹۴>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵.
۴۴. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۸، بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۴۸>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۱۱.
۴۵. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۸، بیانات در دیدار مسئولان نظام: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۲۵۱۲>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۰۹.
۴۶. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۵، بیانات در دیدار نخبگان: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۵۱>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۰۸.
۴۷. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۵، بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۷۶>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۱۳.



۴۸. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۴، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۷۸۴>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴.
۴۹. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۵، بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۱۰۹>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۰۹.
۵۰. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۹، پیام تبریک به ملت، دولت و حزب‌الله لبنان به مناسبت پیروزی بر رژیم صهیونیستی: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۳۰۰۷>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۱۷.
۵۱. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۰، بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای قم: <https://khl.ink/f/۲۵۸۹>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۱۶.
۵۲. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۹، بیانات در ارتباط تصویری با شرکت‌کنندگان در آئین تجلیل از پیشکسوتان دفاع: <https://khl.ink/f/۴۶۵۲۵>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷.
۵۳. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۴، بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۹۳۳>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۰۹.
۵۴. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۶، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان: <https://khl.ink/f/۳۶۷۷۵>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۱۲.
۵۵. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۶، بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۸۹>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۰۹.
۵۶. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۹، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی: <https://khl.ink/f/۴۵۸۱۴>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶.
۵۷. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۸، دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب: <https://khl.ink/f/۸۰۸۷>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰.
۵۸. کتابخانه دیجیتال نور: <https://noorlib.ir/>.



Bibliography

۱. The Holy Quran, Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani. (۲۰۰۴). Qom, Iran: Institute for Cultural Research and Publishing, Dar al-Zekr.
۲. Ibn Faris, Ahmad ibn Faris, & Haroon, Abd al-Salam Mohammad. (۱۹۸۴). *Mu'jam Maqayis al-Lugha*. Qom: Islamic Media Center, Publishing Center.
۳. Ibn Maytham, Maytham ibn Ali, Sharif Razi, Mohammad ibn Husayn, & Imam Ali ibn Abi Talib (a). (۱۹۸۴). *Sharh Nahj al-Balagha (Ibn Maytham)*. Tehran: Daftar Nashr al-Kitab.
۴. Atabaki, Parviz, Ayati, Abdul Mohammad, Madressi, Mohammad Taqi, Aram, Ahmad, & Sho'ar, Jafar. (۱۹۹۸-۱۹۹۹). *Tafsir Hedayat*. Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.
۵. Akhoondi, Mostafa, Elhami-Nia, Ali Asghar, & Forqani, Ghodratollah. (۲۰۰۵). *Jihad in the Mirror of Narrations*. Qom: Zamzam Hedayat Publications.
۶. Erbili, Ali ibn Isa, & Shaarani, Abul Hassan. (۲۰۰۵). *Kashf al-Ghumma fi Ma'rifat al-A'imma*, translated by Ali ibn Hossein Zowari. Tehran: Islamiyya, ۳rd edition.
۷. Aristotle, Translated by Lotfi, Mohammad Hassan. (۲۰۰۶). *Nicomachean Ethics*. Tehran: Tarh-e-No Publications.
۸. Azir, Hamid Reza, Mazaheri, Hossein, & Abolqasem, Mahmoud. (۲۰۰۴). *A New Inquiry into Islamic Ethics and Practical Philosophy*. Tehran: Zekr Publications.
۹. Amin, Nosrat Bigom, & Ibn Miskawayh, Ahmad ibn Mohammad. (۱۹۹۰). *Ethics and the Path to Happiness*. Tehran: Feiz Kashani.
۱۰. Ansarian, Hossein, Kamarei, Khalil, & Shiite Dar al-Erfan Scientific Research Center. (۲۰۱۰). *The Element of Courage or Seventy-Two and One Person*. Qom: Dar al-Erfan.
۱۱. Hasan Zadeh Amoli, Hassan. (۱۹۹۶-۱۹۹۸). *One Thousand and One Words*, ۷ Vols. Qom: Bustan-e-Ketab Qom.
۱۲. Khamenei, Ali (Leader of the Islamic Republic of Iran), Supreme Leader's Representation Office in Universities, Research Division, & Ghodousi Zadeh, Hassan. (۲۰۰۹). *Exquisite Points*, Qom: Daftar Nashr Ma'aref.
۱۳. Khansari, Jamal al-Din Mohammad. (۱۹۸۸). *Sharh Ghorar al-Hikam wa Durar al-Kalam*. Tehran: University of Tehran Press.
۱۴. Dashti, Mohammad. (۲۰۱۱). *Translation of Nahj al-Balagha*. Tehran: Payam-e-Adalat, ۲nd edition.
۱۵. Delshad Tehrani, Mostafa. (۲۰۰۸). *The Sun Government*. Tehran: Darya Publications, ۴th edition.
۱۶. Rashad, Ali Akbar. (۲۰۰۱). *Encyclopedia of Imam Ali*, ۱۰ Vols (Biography). Tehran: Islamic Culture and Thought Research Center.
۱۷. Sajjadi, Jafar. (۱۹۹۶). *Philosophical and Theological Sciences Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Publications.
۱۸. Shartouni, Said. (۱۹۹۵-۱۹۹۶). *Aqrab al-Mawarid fi Fasaheh al-Arabiya wa Shawared*. Tehran: Endowment Organization and Islamic Charity, Al-Osoah Press.
۱۹. Shahidi, Jafar, Dekhoda, Ali Akbar, Mehrki, Iraj, Sotoudeh, Gholamreza, & Soltani, Akram. (۲۰۱۱). *Dictionary: Dekhoda Medium Dictionary*, ۲ Vols. Tehran: Tehran University Press.



۲۰. Tabatabai, Mohammad Hossein, & Mousavi, Mohammad Bagher. (۱۹۹۹). *Tafsir al-Mizan* (Translation), ۲۰ Vols. Qom: Islamic Publications Office, Seminary of Qom.
۲۱. Imam Ali ibn Abi Talib (a), Ibrahim, Mohammad Abul Fazl, & Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hibat Allah. (۲۰۰۶). *Sharh Nahj al-Balagha (Ibn Abi al-Hadid)*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library, ۲nd edition.
۲۲. Imam Ali ibn Abi Talib (a), Amadi, Abd al-Wahid ibn Mohammad, & Rajai, Mahdi. (۱۹۹۱). *Ghorar al-Hikam (Corrected by Rajai)*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
۲۳. Feiz al-Islam, Seyed Ali Naqi. (۲۰۰۱). *Translation and Commentary on Nahj al-Balagha (Feiz al-Islam)*. Tehran: Feiz al-Islam Publications, ۵th edition.
۲۴. Qorashi, Seyed Ali Akbar. (۲۰۰۳). *Vocabulary of Nahj al-Balagha*. Qom: Islamic Publications Office, ۲nd edition.
۲۵. Karajaki, Mohammad ibn Ali, & Naameh, Abdullah. (۱۹۹۱). *Kanz al-Fawa'id*. Qom: Dar al-Zakhayer.
۲۶. Lithi Wasiti, Ali ibn Mohammad, & Hasani Birjandi, Hossein. (۱۹۹۸). *Oyun al-Hikam wa al-Mawa'iz*. Qom: Scientific Cultural Institution of Dar al-Hadith.
۲۷. Majlesi, Mohammad Baqer ibn Mohammad Taqi, Mostarhami, Hedayat-Allah, Ghafari, Ali Akbar, Behboodi, Mohammad Baqer, Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi, Mahmoodi, Mohammad Baqer, Khosran, Mohammad Mehdi, & others. (۱۹۸۳). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
۲۸. Modarres Vahid, Ahmad. (Undated). *Sharh Nahj al-Balagha*. Qom: Khayyam.
۲۹. Motahari, Morteza. (۲۰۱۷). *The Complete Works of Martyr Motahari*, ۲۸ Vols. Tehran: Sadra, ۲۰th edition.
۳۰. Motahari, Morteza. (۲۰۱۹). *Notes of Martyr Motahari*. Tehran: Sadra.
۳۱. Moghniyeh, Mohammad Jawad. (۲۰۰۸). *Fi Zilal Nahj al-Balagha (In the Shade of Nahj al-Balagha)*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
۳۲. Makarem Shirazi, Naser. (۲۰۰۱). *Message of the Imam: A Fresh and Comprehensive Commentary on Nahj al-Balagha*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
۳۳. Mansouri Larijani, Esmail. (Undated). *Manifesto of Justice*. Tehran: Mahdi al-Quran.
۳۴. Mahdavi Damghani, Mohammad (Translator). (۱۹۹۵). *The Appearance of History in the Commentary of Nahj al-Balagha by Ibn Abi al-Hadid*. Tehran: Nashr-e-Ney.
۳۵. Nazem Zadeh Qomi, Seyed Asghar. (۱۹۹۶). *Manifestations of Wisdom*. Qom: Center for Publishing of Islamic Propagation Office, ۲nd edition.
۳۶. Nafisi, Ali Akbar, & Foroughi, Mohammad Ali. (Undated). *Nafisi Dictionary*. Tehran: Khayyam.
۳۷. Noori, Hossein ibn Mohammad Taqi, & Ahl al-Bayt^ Institute for the Revival of Heritage. (۱۹۸۸). *Khatimat Mustadrak al-Wasa'il*. Beirut: Al al-Bayt^ Institute for the Revival of Heritage.
۳۸. Curtis, Dora F., & Kelly, Lisa L. (۲۰۱۷). "The Impact of Coaching Quality of Life on Psychological Courage and Self-Determination," translated by Fazel Pendar, *Journal of Psychology and Psychiatry Cognition*, ۱, pp. ۸۹-۱۰۹.
۳۹. **The official website of the Supreme Leader:** <https://khamenei.ir/>.



۴۰. **Khamenei, Ali** (۲۰۱۸), "Speech at the meeting with members of the Assembly of Experts": <https://khl.ink/f/۴۱۹۹۴>, accessed on ۱۸/۰۱/۱۴۰۳.
۴۱. **Khamenei, Ali** (۱۹۹۹), "Speech at the meeting with veterans and martyrs' families": <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۴۸>, accessed on ۱۸/۰۱/۱۴۰۳.
۴۲. **Khamenei, Ali** (۲۰۱۸), "Speech at the meeting with members of the Assembly of Experts": <https://khl.ink/f/۴۱۹۹۴>, accessed on ۱۵/۰۱/۱۴۰۳.
۴۳. **Khamenei, Ali** (۱۹۹۹), "Speech at the meeting with veterans and martyrs' families": <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۴۸>, accessed on ۱۱/۰۱/۱۴۰۳.
۴۴. **Khamenei, Ali** (۲۰۱۹), "Speech at the meeting with system officials": <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۲۵۱۲>, accessed on ۰۹/۰۱/۱۴۰۳.
۴۵. **Khamenei, Ali** (۲۰۰۶), "Speech at the meeting with elites": <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۵۱>, accessed on ۰۸/۰۱/۱۴۰۳.
۴۶. **Khamenei, Ali** (۲۰۰۶), "Speech at the meeting with people of East Azerbaijan": <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۷۶>, accessed on ۱۳/۰۱/۱۴۰۳.
۴۷. **Khamenei, Ali** (۱۹۹۵), "Speech in Friday Prayer sermons": <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۷۸۴>, accessed on ۱۴/۰۱/۱۴۰۳.
۴۸. **Khamenei, Ali** (۲۰۱۶), "Speech at the meeting with mosque prayer leaders of Tehran Province": <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۱۰۹>, accessed on ۰۹/۰۱/۱۴۰۳.
۴۹. **Khamenei, Ali** (۲۰۰۰), "Message of congratulations to the people, government, and Hezbollah of Lebanon on the victory over the Zionist regime": <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۳۰۰۷>, accessed on ۱۷/۰۱/۱۴۰۳.
۵۰. **Khamenei, Ali** (۱۹۹۱), "Speech at the meeting with families of martyrs from Qom": <https://khl.ink/f/۲۵۸۹>, accessed on ۱۶/۰۱/۱۴۰۳.
۵۱. **Khamenei, Ali** (۲۰۲۰), "Speech via video conference with participants in the ceremony honoring the veterans of defense": <https://khl.ink/f/۴۶۵۲۵>, accessed on ۰۷/۰۱/۱۴۰۳.
۵۲. **Khamenei, Ali** (۲۰۱۵), "Speech at the Imam Khomeini Naval Science University of Nowshahr": <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۹۳۳>, accessed on ۰۹/۰۱/۱۴۰۳.
۵۳. **Khamenei, Ali** (۲۰۱۷), "Speech at the meeting with a group of students": <https://khl.ink/f/۳۶۷۷۵>, accessed on ۱۲/۰۱/۱۴۰۳.
۵۴. **Khamenei, Ali** (۲۰۰۷), "Speech at the meeting with the members of the government and executive officials": <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۸۹>, accessed on ۰۹/۰۱/۱۴۰۳.
۵۵. **Khamenei, Ali** (۲۰۲۰), "Television speech on the ۳۱st anniversary of Imam Khomeini's passing": <https://khl.ink/f/۴۵۸۱۴>, accessed on ۰۶/۰۱/۱۴۰۳.
۵۶. **Khamenei, Ali** (۲۰۰۹), "Meeting of the members of the Assembly of Experts with the Leader of the Revolution": <https://khl.ink/f/۸۰۸۷>, accessed on ۱۰/۰۱/۱۴۰۳.
۵۷. **Noor Digital Library**: <https://noorlib.ir/>.